

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ اگست ۲۰۲۱

"غنی احمدزی" و تکرار "گم کردن سوراخ دعا"!

(۳)

چهارشنبه ۱۳ اسد ۱۴۰۰ - کابل:

۳ - مرجع مراجعه در کجاست؟

از آن جایی که در درازنای تاریخ، افغانستان بار ها مورد تهاجم و تجاوز قرار گرفته و در تمام حالات، این تنها خلق دلیر افغانستان بوده که علیه تجاوز ایستاده و تا متجاوزان را از کشور بیرون نینداخته، آرام نگرفته است و خاطرات نزدیک این جانفشانی ها و از خود گذری ها در جریان قرون ۱۹، ۲۰ و ۲۱ علیه متجاوزان برتانیایی، روسی و امریکائی، تا هنوز بخشی از مسائل مطرح در رسانه های جهانی و داخلی است، واضح است که مرجع اصلی مراجعه برای دفاع از تمام ارضی، استقلال و هویت تاریخی افغانستان، نه مزدوران و نوکران زرخیرد استعمار و ارتجاع در لانه های ساخت استعمار، بلکه خلق نیرومند و لایزال افغانستان است، فقط اینها بوده و اند که توانسته و می توانند متجاوزان را از کشور بیرون و دست مداخله گران را از امور افغانستان کوتاه نمایند.

لذا هرگاه "غنی احمدزی" در رأس و به نمایندگی از بقیه حاکمیت، تضمین بقای فردی و نظام شان را از اربابان دور و نزدیک خود نگرفته اند و بخواهند تا خود را بر اریکه قدرت نگه دارند، یگانه راه بقاء و استمرار حاکمیت شان این است تا به توده های میلیونی مردم مراجعه و از آنها طلب کمک نمایند. مگر چند نکته را می باید قبل از مراجعه کاملاً روشن ساخت:

الف- وقتی از مردم و توده های میلیونی کشور نام می بریم، به هیچ وجه منظور ما دست کمک دراز نمودن به جنگسالاران طیف های مختلف، جلابان و تیکه داران جنگ از قماش دوستم ها، گلبدین ها، ربانی ها، عطاء ها، عبدالله ها، اسماعیل خان ها، محقق ها، خلیلی ها و بقیه جنایتکاران هفت و هشت تنظیمی نیست، بلکه آنها نیست که بقای خود و بقای کشور را در تعویل و ارجگذاری به حقوق شهروندی تمام مردم افغانستان، آزادی، دموکراسی و عدالت و ترقی اجتماعی می بینند.

هرچند امپریالیسم و نوکران زرخیرد آنها در همکاری با معامله گران ارتجاع مذهبی، در طی بیست سال اخیر بشدت کوشیده اند تا از ایجاد، شکلگیری و رشد مستقلانه نهاد های مدافع دموکراسی، آزادی و ترقی اجتماعی جلوگیری نمایند و صرف جهت فریب جهانیان کاریکاتور هائی از اتحادیه های کارگری، زنان، معلمان، شاگردان، هنرمندان، اهل

رسانه، احزاب و سازمانهای مدافع دموکراسی و آزادی و ترقی اجتماعی و به اصطلاح جامعه مدنی را رویکش جنایات خود نموده اند، با آنهم از آنجائی که خارج از اراده و نیت حاکمیت در درون این نهاد های کاریکاتور گونه، به هزاران و ده ها هزار تن از انسانهای شریف حد اقل به مثابه نطفه های علم بردار دموکراسی و آزادی و ترقی اجتماعی وجود دارند، "غنی احمدزی" و بقیه زمامداران حاکمیت برجای مانده از استعمار و اشغال، می باید به این طیف ها مراجعه نموده و از آنها کمک بخواهد.

"غنی احمدزی" باید سرانجام این حقیقت را بداند که از دموکراسی و آزادی فقط آنهایی به دفاع برخوانند خاست، که به این اصول معتقد باشند و حاضر باشند تا با همین درفش پای به میدان مبارزه بگذارند.

ب- "غنی احمدزی" باید حاضر باشد تا با مردم افغانستان حساب باز و محاسبه عملکرد جنایتکارانه، تفرقه افکنانه و خاینانه اش را تصفیه نماید. یعنی این که بیاید و به مانند صحبتش در "ولسی جرگه" بگوید که وقت تعیین ملامت و سلامت نیست، در بین مردم جایگاه و اعتباری ندارد. یعنی اگر واقعاً از مردم کمک می خواهد تا بقای حاکمیتش را تضمین کنند، می باید این جرأت و شهامت را در خود پرورش دهد، تا در محضر عام از عملکرد خاینانه و جنایتکارانه و تفرقه افکنانه اش از مردم معذرت بخواهد. یعنی ضمن آن که مسئولیت جنایاتی چون کشتار دهمزنگ، چار راهی زنبق، همه روزه کربلای دشت برچی و بقیه نقاط کشور را به عهده می گیرد و بابت آنها از مردم به ویژه بازماندگان آن جنایات پوزش می طلبد، علی رغم آن که انسان تعهد شکنی است باز هم متعهد شود که دیگر بدان کار ها تشبث نخواهد و رزید، شاید در آن صورت مردم به حرفهایش گوش دهند.

ب- "غنی احمدزی" سرانجام بعد از آنهمه تحصیل و به گفته خودش مطالعه، این اندازه فراست و آگاهی یافته باشد که **بین ندای حمایت و حلقه دام تفاوت قائل شده**، با اولی با تمام توان همراه گردد و از دومی به مانند فرار از طاعون، فرار نماید.

هموطنان گرامی!

در مقطع کنونی که مردم ما و مردم سراسر جهان شاهد جنایات جنگی، آدمکشی ها، ویرانگری ها و تجاوز به عنف سپاه جهل طالب اند و بر همین مبنا در سراسر جهان مخالفت علیه طالب و طالبیسم در حال شکل گرفتن است، به خصوص در داخل افغانستان نفرت علیه طالب و طالبیسم، در بین تمام اقشار، طبقات، اصناف و جنسیت ها روند صعودی خود را طی می نماید و الزماً می باید جهت تفکیک خواست، مقاومت و خیزش علیه طلب و طالبیسم شعار های متناسب با آن، شعارهایی که دیوار بین توده های میلیونی افغانستان با طالب را نمایش دهد، یعنی آزادی، دموکراسی، عدالت و ترقی اجتماعی، حقوق زنان و اقلیت های مذهبی، قومی و زبانی، به مثابه شعار های روز شب و روز از جانب مردم فریاد زده شود تا به وجدان همگی مبدل گردد، می بینیم که اخوان و اخوانیت و اسلام سیاسی یعنی برادران عقیدتی طالب احساس خطر نموده، با "شعار الله اکبر" مجدداً می خواهند جنبش ضد ارتجاع طالبی و اسلام سیاهی را در باتلاق عقیدتی اسلام سیاسی غرق نمایند.

هموطنان گرامی!

این ترفندی بود که امپریالیسم و ارتجاع در آغاز دهه ۸۰ قرن ۲۰ بدان توسل جسته، قادر شدند جنبش آزادیبخش ملی ما را از مسیر مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم، امپریالیسم و ارتجاع و تکامل منطقی آن به مبارزه علیه ارتجاع، در بیراهه اسلام خواهی و اسلام سیاسی سمت داده، با قلب محتوا، آن را به "انقلاب اسلامی" استحاله نمایند. نتایج این استحاله را همه با پوست و گوشت خود احساس نمودیم که چگونه وقتی داعیان اسلام سیاسی و گویندگان "الله اکبر" به قدرت

رسیدند، دمار از روزگار مردم کشیده، در یک ضربت بیش از ۶۵ هزار باشندۀ کابل را به قتل رسانیده شهر و دیار ما را به خاک و خاکستر مبدل ساختند.

هموطنان گرامی!

امروز باز هم اسلام سیاسی تلاش می ورزد تا با آوردن و جایگزین کردن شعار "الله اکبر" که واقعاً ۲۰ سال گذشته شعار طالب بوده و همین اکنون هم شعار آنهاست و با بریدن سر هر بی گناهی و با اعدام صحرائی هر انسانی، "الله اکبر" گویان سر می برند و بر قلب و کله انسانها گلوله فیر می نمایند، به جای شعار آزادی و دموکراسی، حق حیات و به رسمیت شناخته شدن حقوق دموکراتیک تمام باشندگان این میهن، در یک کلام "یا آزادی یا مرگ" شعار های خودش را جایگزین شعار ها و خواستهای مردم نمایند.

هموطنان گرامی!

افتادن در این دام خطرناک، گذشته از این که ما را از حمایت خلغهای آزاده و ترقیخواه، مدافعان تساوی و حقوق زنان و بقیه آزادیهای دموکراتیک محروم ساخته ما را با طالب هم هویت می سازد، بستری را فراهم می سازد تا در نهایت باز هم جنگسالاران، جنایتکاران و خائنان برخاسته از دامن آلوده به خون اسلام سیاسی در آن رشد نموده، حاکمیت شان را بر جامعه اسلام زده ما تحمیل بدارند.

هموطنان گرامی!

این که برخی ها در دهه ۸۰ بدین لغزش مصیبت بار مواجه شدند و زیر نام احتراز و امتناع از هم هویتی با اشغالگران، "الله اکبر" گفتند، شاید بتوان بر مبنای همان وضعیت پیش آمده به علاوه کودکی جنبش و عدم آگاهی از عاقبت عملکردشان در پیشگاه تاریخ مهر خاین بر پیشانی شان نزد، مگر اینک که از یک جانب دادن شعار "الله اکبر" ما را با دشمن مردم ما یعنی "طالب" هم هویت می سازد و از جانب دیگر در طی ۴ دهه نتایج دادن آن شعار و حاکمیت برآمده از آن را با گوشت و استخوان خویش درک نموده ایم، باز هم دادن چنان شعاری، با هر نیت و مقصدی که آگاهانه صورت گیرد، چیزی به جز خیانت به آرمان جانبازان پاکبخته این میهن و پشت پای زدن به امر آزادی و حفظ کرامت انسانی نمی باشد.

از همین رو با قاطعیت اعلام می دارم که حاضریم خود با تمام اعضای خانواده اعم از زن و مرد و پیر و جوان، در راه رسیدن به آزادی، دموکراسی و ترقی اجتماعی و دفاع از کشور در مقابل تهاجم نوکران امپریالیسم و ارتجاع در زیر رایت انسانی و دورانساز "یا مرگ آزادی" از سر و جان خود بگذریم، مگر حاضر نیستیم با شعار طالب به جنگ طالب رفته، "الله اکبر" بگوئیم. ما می باید سرانجام یاد بگیریم و قبول نمائیم که دین یک امر خصوصی است و نباید آن را در مناسبات بین انسانها و نظامها دخالت بدهیم.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جز لایتنجری مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!